

عباس خیرآبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تربت حیدریه

## مقایسه‌ای میان دو اثر مشهور صوفیه: کشف المحجوب هجویری و خلاصه‌ی شرح تعرف

### چکیده:

مهم‌ترین آثار منتشر صوفیان در فاصله قرنهای پنجم تا هفتم هجری نوشته شده که از آن میان کتاب‌های کشف‌المحجوب هجویری و شرح تعرف مستملی بخاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حجم زیاد کتاب اخیر سبب شده که خلاصه‌ای از این اثر در قرن هفتم پدید آید که خود دارای ارزشهای فراوان است. در این نوشتار، نویسنده بین خلاصه‌ی شرح تعرف و کتاب کشف‌المحجوب هجویری مقایسه‌ای نقدگونه کرده و تفاوتها و شباهتهای این دو تألیف صوفیه را برشمرده است.

### واژه‌های کلیدی:

هجویری- کشف‌المحجوب- خلاصه‌ی شرح تعرف- مستملی بخاری

سخن در مقایسه‌ی دو کتاب ارزشمند و مهم صوفیه است که هر دو در یک قرن و احتمالاً به فاصله‌ی کمتر از بیست سال و تقریباً در دو شهر نزدیک به هم نوشته شده‌اند. (۱) نخست پیرامون هر یک از این دو کتاب شرحی موجز می‌دهیم و سپس به مقایسه‌ی آن دو می‌پردازیم.

#### الف: هجویری و کشف المحجوب

ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی الهجویری احتمالاً در اواخر قرن چهارم هجری در غزنه (از بلاد افغانستان فعلی) به دنیا آمده و دوران کودکی را در جلاب و هجویر از محلات غزنه گذرانده است. پدرش شیخ عثمان بن علی، در زمانی که غزنه مرکز تجمع علما و فضلا و ارباب صوفیه بود، وارد غزنه شد و در همانجا اقامت گزید. و چون خود اهل معرفت و علم بود، مردم غزنه و حوالی آن به صداقت و سلامت او ایمان یافته و جودش را مغتنم شمردند. (۲)

مادر هجویری از خاندان پرهیزگاری بود، چنانکه برادرش (دائی هجویری) را تاج الاولیاء می‌خوانده‌اند و مرقدش زیارتگاه بوده. (۳)

هجویری در شریعت از مذهب امام ابوحنیفه و در طریقت از مسلک جنیدیه پیروی می‌کرده چنانکه خود در صفحه‌ی دوپست و سی و پنج (۲۳۵) کتابش می‌گوید: مشایخ من - رح - جمله جنیدی بوده‌اند. هجویری مردی کثیرالسفر بود. و از جمله به سفرهای خود به عراق، فرغانه، شام، آذربایجان، خراسان، سرخس، ماوراءالنهر و ترکستان اشاره‌هایی دارد. (۴)

او سرانجام - گویا به امر پیر خود - غزنه را به قصد لاهور ترک کرد و شبانه وارد آنجا شد. فردای آن جنازه‌ی شیخ حسین زنجانی را - که هجویری به جانشینی او برگزیده شده بود - برای دفن به بیرون لاهور بردند. (۵)

هجویری در سفر اخیر خود که چهل سال سن داشت به نشر حقایق اسلام در سرزمین هند پرداخت. و با سلاح عشق و محبت گروه کثیری از مردم قاره‌ی هند را به صراط مستقیم هدایت کرد. و با ترویج اسلام واقعی روح تازه‌ای را در کالبد آنان دمید و از محبت جاودانه‌ای برخوردار گشت چنانکه امروز پس از گذشت بیش از نهمصد سال، مردم کماکان به زیارت مرقدش می‌روند و از تربتش مدد می‌جویند. (۶)

تاریخ وفات هجویری، همچون تاریخ تولدش معلوم نیست. عطار در تذکره‌ی الاولیاء تنها به ذکر نامی از او قناعت کرده است. (۷) و عبدالرحمن جامی نیز در نفحات الانس شرح حال او را

بدون ذکر تاریخ ولادت و وفات، آورده است.

داراشکوه در کتاب سفینه الاولیا، سال مرگ هجویری را ۴۵۶ و به قولی ۴۶۴ قید کرده است. (۸) و نیکلسون در مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌ی انگلیسی کتاب کشف المحجوب تاریخ وفات هجویری را بین سالهای ۴۶۵ و ۴۶۹ و یا بعد از سال ۴۶۹، نوشته است. (۹)

از آنجا که در صفحه ۴۰۱ کشف المحجوب، آنگاه که مؤلف از قشیری نام می‌برد او را با جمله‌ی دعایی رحمة الله علیه، یاد می‌کند، و سال وفات قشیری نیز در ۴۶۵ است، ظاهراً باید وفات هجویری پس از این سال باشد. مگر اینکه بگوئیم این جمله دعائی بعدها وسیله‌ی کاتبی بدان افزوده شده است. و با توجه به همه‌ی مدارک و مأخذی که موجود است و آنچه بر سنگ قبر او نوشته شده که شعری است با ماده‌ی تاریخ فوت او می‌توان گفت که سال وفات هجویری ۴۶۵ یا کمی بعد از آن است.

قطعه‌ای از جامی بر سنگ مزار او چنین است:

خانقاه علی هجویری خاک چاروب از درش بردار  
توتیاکن به دیده‌ی تحقیق تا شوی واقف بر آن اسرار  
چونکه سردار ملک معنی بود سال وصلش بر آید از «سردار»

که واژه‌ی «سردار» به حساب ایجاد ۴۶۵ می‌شود.

مقبره‌ی هجویری هم اکنون در لاهور زیارتگاه اهل دل است.

### کشف المحجوب

چنانکه از محتوای کتاب کشف المحجوب برمی‌آید هجویری دارای تألیفات متعددی بوده و از جمله دیوان شعری نیز داشته است که در همان صفحه‌ی اول کتاب خود بدان اشاره می‌کند. اما از آثار او هیچ کدام جز همین کتاب کشف المحجوب باقی نیست. و این کتاب که یکی از بهترین و ارزشمندترین کتب صوفیه است، به اعتقاد عده‌ای نخستین کتابی است که در شرح طریقه‌ی صوفیه به زبان فارسی نوشته شده و خود از امهات کتب این طایفه است، که بعدها مورد استفاده‌ی بسیاری از محققین و نویسندگان پس از او، قرار گرفته است. اما هجویری خود نیز از کتب اسلاف خویش استفاده کرده و از جمله در تألیف کشف المحجوب به کتب اللمع، تألیف

ابونصر سراج (م. ۳۷۸). طبقات صوفیه، تألیف ابوعبدالرحمن سلمی نیشابوری (م. ۴۱۲) و کتاب الرساله، تألیف ابوالقاسم قشیری، نظر داشته است.

### سبک کتاب

مرحوم محمد تقی بهار، ملک‌الشعراء، در کتاب سبک‌شناسی، ج ۲، صفحه ۱۸۷، درباره‌ی سبک این کتاب می‌نویسد: این کتاب از حیث سبک بالاتر و اصیل‌تر، و به دوره‌ی اول نزدیک‌تر است تا سایر کتب صوفیه، و می‌توان آن را یکی از کتب طراز اول شمرد که هر چند در قرن پنجم تألیف شده و بیش از کتب قدیم دستخوش تازی و لغت‌های آن زبان است، اما باز نمونه‌ی سبک قدیم را از دست نداده و رویهم‌رفته دارای سبک کهنه است.

افعال و لغات کهنه و غریب و استعمالات دوره‌ی اول به تمامها در این کتاب دیده می‌شود. و از این گذشته اصطلاحات خاص نیز از خود دارد که غالب آنها بعد از این، در کتب تصوف مصطلح گردیده است.

نمونه‌هایی از لغات فارسی که در کتاب کشف‌المحجوب آورده است:

شبولیدن وقت: متفرق ساختن

پای بازی: رقص

پای جامه: پای افزار

گرد پای نشستن: چهار زانو

بوده گشتن: موجود شدن

خوار داشت: توهین و خوار ساختن

زفان: زبان

برسیدن: کامل و تمام شدن

روزگار مرد: مرد بزرگ و فوق‌العاده

کداوده‌ی بلا: کداوده‌ی بلا و کداوده‌ی اصفیا. ظاهراً به معنی حصار و مرکز بلا، یا حصار و مراکز اصفیا. (ص ۵۹-۴۰۵). تاریخ بخارا هم این لغت را آورده و می‌گوید: کداوده‌ی ربض از خشت پخته می‌بایست. کداوده‌ی حصار را و برج‌های او که خشت پخته بود باز کردند، و به ربض شهر بخارا

خرج کردند. (ص ۲۱- تاریخ بخارا- طبع تهران)

بی از آنکه: بی آنکه

فراگفت آمدن: به سر سخن باز شدن

این کتاب تاکنون چندین بار در لاهور، سمرقند، تاشکند، لنینگراد، و ایران چاپ شده و بهترین چاپ آن تصحیح زنده باد ژوکوفسکی است که نخستین بار در سال ۱۹۲۶ م- ۱۳۴۴ هـ ق و ۱۳۰۵ هجری شمسی، در شهر لنینگراد در ۲۵۰ نسخه چاپ شده و همین تصحیح در ایران، توسط کتابخانه‌ی طهوری، در سال ۱۳۵۸ شمسی به صورت افست و با مقدمه‌ی قاسم انصاری تجدید چاپ شده و در اختیار اهل بینش و دانش قرار گرفته است. (چند سال قبل نیز این نسخه باز به همان طریق افست تجدید چاپ شده و هم اکنون در بازار کتاب موجود است) این چاپ مشتمل است بر مقدمه‌ای چهل صفحه‌ای از قاسم انصاری، متن کتاب در ۶۰۷ صفحه، و مقدمه و فهارس ژوکوفسکی در ۶۴ صفحه.

ب: خلاصه‌ی شرح تعرف

پس از اشاره‌ی مختصری که به کتاب کشف المحجوب و نویسنده‌ی آن داشتیم. شرحی کوتاه نیز، پیرامون خلاصه‌ی شرح تعرف، لازم می‌آید، تا بتوان به تبع، به مقایسه‌ی این دو اثر پرداخت. طبق تحقیق روانشاد دکتر احمد علی رجائی، کتاب خلاصه‌ی شرح تعرف توسط فردی ناشناخته و آگاه به اصول تصوف و آشنا به دوزبان پارسی و تازی، در غره‌ی ربیع‌الاول سال ۷۱۰ هجری (۲۹ ژوئیه ۱۳۱۰ میلادی) از روی کتاب مفصل و مشهور شرح تعرف، که کتاب مورد نظر ما خلاصه‌ی آنست، تألیف ابوابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی بخاری است که در سال ۴۳۴ هجری درگذشته است. شرح تعرف را که باید قبل از کشف المحجوب نوشته شده باشد. می‌توان قدیم‌ترین اثر فارسی صوفیان نامید. (برخلاف نظر شادروان دکتر قاسم غنی در تاریخ تصوف در اسلام، صص ۵۳۹-۵۴۰. و هرمان اته در تاریخ ادبیات فارسی ص ۲۹۴- ترجمه دکتر رضازاده شفق که این دو، کشف المحجوب را کهن‌ترین کتاب صوفیه دانسته‌اند). چرا که هجویری ظاهراً در سال ۴۳۵ در لاهور شروع به نوشتن کشف المحجوب کرده و در سال ۴۴۲ این اثر را به پایان برده است. (۱۱) و حال آنکه مؤلف شرح تعرف، یک سال پیش از شروع کتاب کشف المحجوب در سال ۴۳۴- دار فانی را بدور دگفته است. مگر اینکه بگوئیم کشف المحجوب را از آن روی نخستین

اثر پارسی صوفیان نامیده‌اند که کتابی است بالاستقلال، ولی شرح تعرف، کتابی است در شرح یک کتاب عربی صوفیان.

به هر طریق، شرح تعرف نخستین و یا یکی از نخستین آثاری است که در چهار جلد به زبان فارسی در شرح کتاب ارزشمند، التعرف لمذهب اهل التصوف، نوشته شده و از کتب صوفیان است. که هم‌پایه‌ی احیاء علوم غزالی از آن یاد شده است:

تا چند همی خوانی منهاج به معراج احیای علوم دین با شرح تعرف. (۱۲)

کتاب التعرف لمذهب اهل التصوف به زبان عربی نوشته شده و مؤلف آن ابوبکر بن ابی اسحق، محمد بن ابراهیم بن یعقوب کلاباذی، ملقب به تاج الاسلام، هم از مردم بخارا است، که در روز جمعه نوزدهم جمادی الاول سال ۳۸۰ هجری (۹۹۰ میلادی) درگذشته است. التعرف کتابی است با حجم کم اما پربار و بسیار سود. و این کتاب تا آنجا شهرت داشته که گفته‌اند: **لو لا التعرف لا عرف التصوف**. التعرف دارای هفتاد و پنج باب است.

و اما خلاصه‌ی شرح تعرف که توسط مرحوم دکتر احمد علی رجائی، استاد پیشین دانشگاه فروسی مشهد تصحیح شده، کتابی است مشتمل بر مقدمه‌ی مصحح در ۲۱ صفحه، متن کتاب و فهرس مجموعاً در ۵۸۶ صفحه، که در سال ۱۳۴۹ توسط بنیاد فرهنگ ایران در دو هزار نسخه چاپ و منتشر شده است.

### مقایسه دو اثر

کتاب کشف المحجوب همچون بسیاری از آثار ارزنده‌ی ادبیات ایران- نظیر گلستان سعدی- به خواهش دوستی و در پاسخ سؤال او نوشته شده که به مؤلف اظهار داشته است: بیان کن مرا اندر تحقیق طریقت تصوف و کیفیت مقامات ایشان، و اظهار کن مرا رموز و اشارات ایشان، و چگونگی محبت خداوند- عزوجل- و کیفیت اظهار آن بر دلها و سبب حجاب عقول از کنه و ماهیت آن و نفرت نفس از حقیقت آن و آرام روح با صفوت آن، و آنچه بدین تعلق دارد از معاملات آن. (۱۳) بدین سان کتاب کشف المحجوب پاسخ‌گوی سؤالات سابق‌الذکر است و مؤلف می‌کوشد که بدین پرسش‌ها جواب گوید.

نخستین بخش کتاب پس از مقدمه، باب اثبات علم است که توجه عمیق هجویری را به علوم،

بوئزه علمی که در ارتباط با دین است، نشان می‌دهد. آنگاه به مسأله‌ی فقر می‌پردازد و سپس وارد بحث تصوف می‌شود. و ائمه‌ی تصوف را خلفای راشدین و گروهی از صحابه و تابعین می‌داند و به ذکر حالات هر یک از آن‌ها به طور مختصر می‌پردازد. و از ائمه‌ی معصومین نیز تا امام جعفر صادق (ع) را جزء ائمه‌ی من اهل بیت، ذکر می‌کند و از احوال آنها چیزی می‌گوید. در ذکر مشایخ صوفیه از اویس قرنی تا ابو احمد المظفر بن احمد بن حمدان، هفتاد و هشت صوفی را برمی‌شمرد و در باب آنها به اختصار سخن می‌گوید، که به احتمال، این قسمت از کتاب خود را تحت تأثیر طبقات صوفیه‌ی عبدالرحمن سلمی بوده، چنانکه کتب پس از هجویری نیز، در شرح حال عرفا و مشایخ قرون اولیه‌ی اسلام، از این کتاب سود جستند.

هجویری بعد از ذکر مشایخ مشهور، رجال صوفیه را در شام و عراق و فارس و قهستان و آذربایجان و طبرستان و کرمان و خراسان و ماوراءالنهر و غزنین نام می‌برد. و بعد در فصلی دیگر به اختلاف آنها و روش و نشانه‌ها و مقامات و حکایاتشان می‌پردازد که باری بسیار مهم و ارزنده است. بعد، فرق مشهور قصاریه، طیفوریه، جندیته، نوریته، سهلویه، خفیفیه، ستاریه و حلویه را شرح می‌دهد و در فاصله‌ی هر کدام، کلامی نیز در اصول صوفیه دارد. از جمله: در سکر و صحو، در ایثار، در حقیقت نفس، در حقیقت هوی- در اثبات ولایه، در اثبات کرامات، در فرق معجزات و کرامات، در تفضیل انبیاء و اولیاء بر ملائکه و مؤمنین، در غیبت و حضور، در جمع و تفرقه و در معرفت روح.

مؤلف پس از ذکر همه‌ی این باب‌ها که حدود سیصد و چهل صفحه از حجم کتاب را گرفته است، به فصول کشف حجب که مقصود غائی او از تألیف کشف المحجوب است می‌پردازد و می‌گوید: اکنون من کشف حجاب ابواب معاملات و حقائق اهل تصوف، با براهین ظاهر، اندرین کتاب بیان کنم. تا طریق راستین مقصود بر تو آسان گردد. و از منکران، آن را که بصیرتی بود راه باز آید. و مرا بدین، دعا و ثوابی باشد انشاءالله تعالی. (۱۴)

سپس در ده باب دیگر، ده حجاب دیگر را می‌گشاید بدین ترتیب: توحید، ایمان، طهاره، صلوة، زکوة، صوم، حج، صحبت، بیان منطق صوفیه و حدود الفاظ آنها و حقایق معانی ایشان و بالاخره آخرین حجابی را که هجویری برمی‌گیرد سماع است که بطور مفصل و مشبع پیرامون آن- در قریب چهل صفحه- سخن می‌گوید. و سرانجام کتاب خود را با این عبارت پایان می‌دهد:

«استعانت خواهیم از خداوند، تبارک و تعالی، تا ظاهر و باطن مرا از آفات پاک گرداند.» و صیت کنم ترا و خوانندگان این کتاب را به رعایت احکام این کتاب. **وبالله العون و التوفیق و الجمع و التفریق و حسبنالله و نعم الرفیق. صلی الله علی محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما کثیرا.**

کتاب خلاصه‌ی شرح تعرف نیز، چنانکه گفته آمد، در هفتاد و پنج باب تنظیم شده و مؤلف پس از مقدمه در نعت خداوند و پیامبر و آل و اصحابش، در اولین باب، به وجه تسمیه‌ی صوفیه می‌پردازد. در باب دوم رجال صوفیه را نام می‌برد. فرق آن در این باب با کشف المحجوب در این است که در اینجا فقط به ذکر نام عرفا و مشایخ مشهور اکتفا می‌شود، در حالی که هجویری در کشف المحجوب، مختصری نیز در احوال آنها شرح داده است. بابهای سوم و چهارم هم، به همین گروه صوفیه اختصاص دارد و از باب پنجم به شرح سخنان ایشان در موارد مختلف می‌پردازد و در چندین باب، اقوال صوفیه را در مقولات گونه‌گون، نظیر توحید، صفات، نزول اسماء، رؤیت، قدر، استطاعت و ... شرح می‌دهد. در این باب‌ها (از پنجم تا شانزدهم) مؤلف وارد بحث‌های کلامی می‌شود که در روزگار او- روزگار مؤلف اصلی شرح تعرف، نیمه اول قرن پنجم- مباحث روز بوده و اختلاف آراء، بین معتزله و اشاعره نقل هر مجلس و محفل بوده است.

نویسنده از عقاید این فرقه به دفاع سخت می‌پردازد. از جمله در باب نهم- در فصل رؤیت- بر مذاق اشاعره می‌گوید! ... اجماع است مر اهل معرفت را که خدای- عزوجل را ببینند به چشم سر، بدان جهان. (۱۵)

بدین سان بزعیم نویسنده، معتزله و شیعه و دیگر فرقی که منکر رؤیت خداوند، در قیامت هستند، جزء اهل معرفت نیستند و در ردّ نظریه‌ی آنها که به آیه‌ی «لا تدرکه الابصار» استناد می‌کنند، می‌گوید: «جواب آن است که حق، تعالی، ادراک ابصار نفی کرد از بهر آنکه ادراک، چگونگی واجب کند و چگونگی مماثل باشد و احاطت واجب کند و احاطت، حد واجب کند چون حق تعالی را کیفیت حد نیست، ادراک محال است. و خدای- عز و جل- نفی کرد آن چه کیفیت و احاطت واجب کند، غیر رؤیت که نیست اندر آن کیفیت و احاطت. (۱۶)

هجویری نیز هر جا که بحث از اصول عقاید اشعریه به میان می‌آید به دفاع از آن پرداخته و قول معتزله را باطل می‌شمارد. چنانکه در بحث معرفت خدای متعال می‌گوید: «اندر معرفت خداوند تعالی، و صحت علم بدو، اختلاف است بسیار. معتزله گویند که معرفت حق، عقلی است و



جز عاقل را بدو معرفت روا نباشد و باطل است این قول به دیوانگانی که اندر دارالسلام اند که حکمشان حکم معرفت و به کودکانی که عاقل نباشند و حکمشان حکم ایمان بود. اگر معرفت به عقل بودی ایشان را چون عقل نیست حکم معرفت نبود و کافران را که عقل است حکم کفر. و اگر عقل معرفت را علت بودی، بایستی هر که عاقل بودی، عارف بودی و همه‌ی بی‌عقلان جاهلان بودندی. (۱۷)

باب‌های بعد از شانزدهم هم تقریباً همه در مباحث و مسائل مبتلا به صوفیه است و همان اموری که در آن روزگاران بیشتر پیرامون آنها بحث می‌شد، (از جمله: باب هفدهم: معراج، باب بیستم: معرفت خدای تعالی، باب بیست و یکم: در معرفت نفس، باب بیست و دوم: معرفت روح، باب بیست و پنجم: در کرامات اولیاء، باب سی و دوم: در تصوف، باب سی و هشتم: در فقر، باب چهل و چهارم: در توکل، و بعد از آن باب‌هایی در: رضا، یقین، ذکر، انس، قرب، اتصال، محبت، تجرید و تفرید، وجد، غلبه، سکر، غیبت و شهود، جمع و تفرقه، تجلی و استتار، فنا و بقا، توحید، صفت عارف، مرید و مراد، و ...

و بالاخره مؤلف این کتاب نیز همچون هجویری در باب آخر کتاب به ذکر سماع و آداب آن پرداخته است و چون این ترتیب ابواب بر مبنای کتاب التعرف لمذهب اهل التصرف است، به یقین هجویری در کشف المحجوب، از مؤلف التعرف (کلاباذی) پیروی کرده است. در مجموع، این دو کتاب حدود بیست عنوان مشترک دارند که هر دو درباره‌ی آن عناوین سخن گفته‌اند و در این عناوین مشترک، کلام هجویری به نظر قوی‌تر و منطقی‌تر می‌رسد و نیز سخن هجویری موجزتر است از گفتار صاحب خلاصه‌ی شرح تعرف. مثلاً در باب کرامات اولیاء آنچه را که خلاصه‌ی شرح تعرف در هشت صفحه گفته است، تقریباً همان سخنان را هجویری در دو صفحه و با ایجاز تمام بیان کرده است و خواننده‌ی این بحث از هر دو کتاب تقریباً به یک میزان استفاده می‌کند. اما در تبویب و فصل‌بندی: خلاصه‌ی شرح تعرف دقیق‌تر و بهتر از کشف المحجوب عمل کرده است. چه در کتاب نخست، خواننده با هفتاد و پنج باب مواجه است که فهرست عناوین هر کدام نیز در مقدمه، توسط مؤلف آورده شده اما در کشف المحجوب، خواننده علاوه بر سی و یک بخشی که آن را با عنوان باب، از دیگر قسمت‌ها جدا کرده است، حدود یکصد عنوان دیگر نیز در لابلای صفحات و بین ابواب مشاهده می‌کند که مؤلف، آن عناوین را شرح داده است.

در استفاده از آیات قرآنی و حدیث و قول مشایخ، هر دو کتاب بهره‌های فراوان جسته‌اند. از جمله کشف المحجوب به قریب ۲۵۰ آیه از آیات قرآن مجید استناد کرده و از حدود یکصد و پنجاه حدیث و قریب سیصد قول از مشایخ صوفیه، سود جسته است. که در خلاصه شرح تعرف- که متأسفانه فهرست آیات قرآن و اقوال مشایخ را دارا نیست- مؤلف یکصد و سی بار از حدیث استفاده کرده و به طور کلی در به کارگیری زبان عربی، هجویری بیشتر از مؤلف خلاصه شرح تعرف، شایق و راغب بوده است. یکی از اهم دلایل این امر، آن است که، خلاصه‌ی شرح تعرف- چنانکه از نامش نیز پیداست- خلاصه‌ایست از یک کتاب، و در متن خلاصه شده طبعاً عبارت عربی کمتر است.

در پایان ذکر شواهدی از بحث سماع که آخرین فصل هر دو کتاب است می‌تواند مفید فایده و مبین چگونگی پرداخت نثر در این دو اثر باشد.

کشف المحجوب: بدانکه سماع را اندر طبایع حکم‌ها مختلف است. همچنان که ارادت اندر دلها مختلف است و ستم باشد که کسی مر آنرا بر یک حکم قطع کند و جمله مستمعان بر دو گونه‌اند. یکی آنکه معنی شنوند و دیگر آنکه صوت. و اندر این هر دو اصل، فواید بسیار است و آفات بسیار، از آنچه شنیدن اصوات خوش، غلیان معنی باشد که اندر مردم مرکب بود. اگر حق، حق، و اگر باطل بود باطل کسی را که مایه طبع فساد بود آنچه شنود همه فساد باشد. (۱۸)

خلاصه‌ی شرح تعرف: باز هم چنین گوید که سماع چون به‌گوشی اندر افتند پنهانی‌های سر را بجنباند و برانگیزد. یکی به جنبش آید از عجز صفت خویش که طاقت کشیدن حمل وارد ندارد. و یکی متمکن باشد به قوت حال، آن بارها بکشد. یعنی هر که را اندر سر حالی نیست با حق تعالی که بر آن سماع کند سماع کردن بر وی حرام است. که چون حال باطن نباشد سماع نفسانی و معلولی باشد و مستمعی که به نفس و علت سماع کند اگر از نفس و علت خویش خبر دارد فاسقی تمام باشد و اگر از نفس و علت خویش خبر ندارد و آن سماع را به مشاهدت بردارد زندقی تمام باشد از آنکه هر کس وسواس، الهام پندارد و هوا جس نفس، خاطر حق پندارد زندقی باشد. (۱۹)

در مقایسه‌ی این دو کلام در نگاه اول متوجه می‌شویم که شیوه‌ی نثر هر دو تقریباً شبیه به هم و مؤید این است که در یک دوره و در یک ناحیه نوشته شده است. از نظر کیفیت نیز همانگونه که پیشتر گفته شد بنای گفته‌ی هجویری بر ایجاز بیشتر استوار است، تا صاحب خلاصه‌ی شرح

تعرف و به هر حال هر دو متن، خوب و ارزنده و از نوع متون دوره‌ی اول (از ۳۴۶ تا ۴۵۰ هـ.ق) است. و اختصاصات سبکی نثر دوره‌ی اول در هر دو متن - و بیشتر در کشف المحجوب - موجود است. و البته متن خلاصه‌ی شرح تعرف که در اوائل قرن هشتم، از روی شرح تعرف (تألیف شده در قبل از ۴۳۴ هـ.ق) بازنویسی و خلاصه شده، و بناچار تحت تأثیر زمان خود نیز قرار گرفته و به نثر این دوره - قرن هفتم و هشتم - نیز شباهت‌هایی دارد (از جمله با نثر کتاب مصباح الهدایه، تألیف عزالدین محمود کاشانی)، درحالی که قرابت متن کشف المحجوب با نثر دوره‌های اول بیشتر است.

### پستی‌نویس‌ها

۱- کشف المحجوب هجویری در فاصله‌ی سالهای ۴۳۵ تا ۴۴۲ نوشته شده و مؤلف آن اهل غزنه بوده است و شرح تعرف که کتاب مورد بحث ما خلاصه آنست قبل از سال ۴۳۴ (سال فوت نویسنده‌ی آن) در بخارا نگاشته شده است.

۲- مجله هلال ج ۵- شماره ۱- ۱۳۳۶- نقل از رساله‌ی داتاگنج‌بخش - مقدمه‌ی کتاب کشف المحجوب ص ۵.

۳- دارا شکوه، سفینه‌ی الاولیاء، صص ۱۶۴-۱۶۵، کاپور ۱۸۸۳، مقدمه‌ی کتاب کشف المحجوب ص ۵.

۴- رک صص ۴۴۹-۳۳۴-۳۰۱-۳۰۰-۲۷۷-۲۸۷-۵۶-۵۳۱، کشف المحجوب

۵- رساله‌ی داتاگنج‌بخش ص ۲۰- مقدمه‌ی کشف المحجوب ص ۷

۶- مقدمه‌ی کشف المحجوب ص ۷ با اندک تغییر

۷- عطار، تذکرة الاولیاء، تصحیح نیکلسون، ج ۲- ص ۵۸، ج ۱- ص ۱۹۰

۸- دارا شکوه، سفینه‌ی الاولیاء، ص ۱۶۵

۹- مقدمه‌ی کشف المحجوب ص ۱۲ به نقل از مقدمه‌ی ترجمه‌ی عربی کشف المحجوب و رساله‌ی داتاگنج‌بخش، صص ۸۴-۲۳.

۱۰- ر.ک. خلاصه‌ی شرح تعرف، مقدمه، به قلم شادروان دکتر رجائی

۱۱- مقدمه‌ی کتاب کشف المحجوب ص ۲۳- به نقل از مقدمه‌ی ترجمه‌ی عربی، ص ۱۲۱

۱۲- بیت شاید از سنایی باشد. نقل از مقدمه‌ی خلاصه‌ی شرح تعرف، به نقل از تاریخ ادبیات فارسی به روسی، ص ۴۵۰

۱۳- کشف المحجوب، ص ۷

۱۴- همان، ص ۳۴۲

۱۵- خلاصه‌ی شرح تعرف، ص ۸۴

۱۶- همان، ص ۸۶

۱۷- کشف المحجوب، ص ۳۴۲-۳۴۳

۱۸- همان، ص ۵۲۴

۱۹- خلاصه‌ی شرح تعرف، صص ۵۴۴-۵۴۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی